

فهرست تفصیلی مطالب و شرح ابواب این مجموعه

قسمت اول

آثار اساتید سلف مرگب از سه رساله

۱ - رساله‌ای مرگب از نصایحی چند از بوذرجمهر حکیم
صفحه ۱ تا ۱۴



که اصل آن بخط زیبای نسخ تعلیق و با تذهیب طلا آراسته شده است این رساله علاوه بر آنکه حاوی نصایح حکیمانه و اندرزهای گرانبهای چندی است که منسوب به بوذرجمهر حکیم وزیر انوشیروان است بخط یکی از خوشنویسان معروف و متأخر بنام علی‌تقی شیرازی نوشته شده و انگیزه مایه چاپ آن علاوه بر نفاست مطلب بیشتر همین زیبایی خط نویسنده بود که بخصوص در این روزها که بر اثر بی‌احتیائی او ایام فرهنگ به حفظ مائثر ملی دلاطلبان حفظ و حراست این صفت ظریف راه زوال میسر ندهد؛ نویسنده نمونه‌ای زیبا از آنرا برای آیندگان حفظ کرده باشیم .

۲ - رساله اربعین مولانا عبدالرحمن جامی صفحه ۱۳ تا ۱۷

این رساله مرگب از چهل حدیث موثق است که بوسیله مولانا عبدالرحمن جامی شاعر فعل و یکی از اکابر دانشمندان قرن هشتم بشری پارسی ترجمه گردیده است این رساله که از يك جنگ خطی قدیمی استنساخ گردیده در نوع خود بی نظیر و گمان می‌رود با معرفی مواف و مترجم احادیث از هر گونه توصیف دیگری در باره نفاست آن بی‌نیاز باشیم

۳ - ترجمه وصایای زهبیه فیثا غورث حکیم از صفحه ۱۸ تا ۱۹

این ترجمه از يك جنگ خطی نفیس و بسیار قدیمی استنساخ و چاپ شده است جنگ مزبور محتوی چند رساله است شرح زیر :

مشکوٰۃ الانوار غزالی، حل مشکوٰۃ رساله جبر و اختیار خواجه غرض نامه بابا افضل ترجمه وصایای زهبیه فیثا غورث حکیم و مابرای چاپ از نظر ایجاز و فایده رساله اخیر در نظر گرفتیم و امیدواریم در شماره‌های آینده موفق شویم رسالات مفید دیگر این جنگ را بچاپ رسانیم

در اینجا لازم است تذکر داده شود که جلگی رسالات خطی مذکور در فوق -متملق به کتا بخانه بسیار نفیس علامه بزرگوار و متتبع هالقدر معاصر آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه است که این مرد معارف پرور جلیل با کمال سه صدر آنها را برای طبع و انتشار در اختیار ما گذاشته اند ما اینک تشکرات بی پایان خود را به حضورشان تقدیم داشته بقای همرو دوام عزتشان را از خدای متعال مستلت میکنیم

قسمت دوم - آثار دانشمندان معاصر

۱ - مقدمه بر کتاب داستان احوال و آثار صاحب بن عباد

از صفحه ۲۰ تا ۲۶

خوانندگان محترم این مجموعه قطعاً نام صاحب بن عباد دانشمند بزرگ ایرانی را شنیده و از نوادر گفتار و بدایع افکارش حظی گرفته اند :
استاد متبحر و کامل آقای احمد بهمنیار در باره داستان احوال و آثار این دانشمند ایرانی رساله و بل کتابی در دست تالیف دارند و بنا بر خواهش ما مقدمه ای را که بر تالیف گرانمای خودشان نوشته اند برای درج در این مجموعه ارسال فرمودند ما این عنایت استاد را سپاس می گزاریم و امید مندیم در آتیه متون کاملی از آثار گرانمای ایشان را از نظر خوانندگان خود بگنجانیم

۳۴

۲ - داستان اصحاب کهف گرد آورده و ترجمه یوسف بنیان

صفحه ۴۲ تا ۵۸

این داستان بوسیله مرحوم بل بهجان از فضلالی مشهور ملت آسور از منابع و ماخذ معتبر گرد آوری و توسط آقای یوسف بنیان که از دانشمندان آسوری نژاد معاصر هستند بزبان پارسی ترجمه گردیده است ما از آنجهت که این سرگذشت بسیار دلچسب و از نظر تاریخ نیز ارزشی داشت بنشر آن مبادرت نمودیم خوانندگان عزیز متوجه خواهند شد که عبارت ترجمه از آنجا که آقای بنیان بازبان پارسی آشنای کامل ندارند کمی غیروان و شاهد معقد باشد و ما نیز ضیق مجال را نتوانستیم تهذیب شایسته ای در آن بعمل آوریم ولی اطمینان داریم که شیرینی موضوع جبران این نقیصه را خواهد کرد :

حواشی و تعلیقات این داستان قسمتی از تنبیهاتی است که دانشمند محترم آقای محمد تقی دانش پژوه در خصوص قصه اصحاب کهف در منابع اسلامی بعمل آورده اند

۳ - ادبیات در محکمه تاریخ : صفحه ۶۱ تا ۸۳

رساله ایست شیوا و بلیغ که در آن ، دانشمند جوان آقای عبدالعسین زرین کوب چون قاضی عدلی ادیبان و ادبیات گذشته ما را بمعاکمه میکشد . این قاضی زبردست در عین حال که هر یک از متهمین داد گناه خویش را بفرخور جرم سرزنش میکنند سر انجام ، حوادث تاریخی ، را بزهار مسلم تشخیص میدهد و در پایانت مقات خویش ادیبان زمان را بر آن میدارد تا از این پس مقهور حوادث نشده

بمقتضای زمان گام بردارند و از سیر جبری تکامل و تجدد اندیشه کنند .

۴ - داستان احوال و آثار شیخ احمد احسانی صفحه ۸۹ تا ۱۳۱

رساله ایست نفیس در سرگذشت زندگانی شیخ احمد احسانی پیشوای فرقه شیخیه که دانشمند محترم آقای مرتضی مدرس چهارومی از کتاب بسیار نفیس خودشان مرسوم به (نامه هنرمندان) ، که تحت نظر علامه فرید معاصر آقای محمد قزوینی مدظله بتالیف آن اشتغال دارند ، استنساخ و برای چاپ در این مجموعه در دسترس ما گذارده اند . خوانندگان محترم مجموعه ما باید متذکر باشند که آنچه سابقاً در ذیل همین عنوان و بقلم همین نویسنده در مجله یادگار طبع تهران انتشار یافته اجمالی از این تفصیل بوره است .

۵ - سخنی چند از سوفسطائیان یا « دانشمندان شکاک » صفحه

۱۴۳ تا ۱۴۶

این مقاله بقلم دانشمند گرامایه آقای محمد تقی دانش پژوه و اطلاعات مبسوطی در باره افکار و آراء سوفسطائیان یا فلاسفه (مشهور بشکاک) بدست میدهد آقای دانش پژوه مقاله بسیار مفید دیگری زیر عنوان « نخستین ترجمه عربی تورات » برای ما فرستاده اند که بر اثر ضیق مجال طبع آنرا به شماره آینده موکول کردیم -

۶ - سروکاشمر صفحه ۱۴۷ تا ۱۶۵

مقاله ایست شیوا و شیرین که دانشمند جوان آقای دبیر بیاتی منشی انجمن ایران شناسی در باره داستان سرو معروف به « سروکاشمر » که از دیرباز در کتب تاریخ و دواویت شعر انام و داستان آن نثرأ و نظماً تکرار شده با روشی محققانه نوشته اند .

۷ - تاریخ ایران باستان بنا بر روایت ابن عبری صفحه ۱۶۷ تا ۲۲۷

این رساله مستخرجی است از کتاب تاریخ نفیس و مفصل ابن عبری بزبان سریانی و تاریخ مختصر الدول همین مؤلف که بزبان عربی نگاشته است - و مقایسه این دو متن با یکدیگر

مترجم متن سریانی این رساله آقای یوسف بشیان است که مقاله دیگر ایشان « داستان اصحاب کهف » نیز در این مجموعه بطبع رسیده و متن عربی را دانشمند مفضل و متابع جوان و مشهور آقای محمد جواد مشکور بزبان پارسی ترجمه کرده و حواشی و تعلیقاتی بسیار ذقیمت بدان افزوده اند .

آثار منظوم این مجموعه

- | | |
|---------------------------------------|---------|
| ۱ - صبح و شام - اثر - محمد دبیر بیاتی | صفحه ۲۷ |
| ۲ - باز مغرور - ، - غلامرضا سمعی | ۵۹ ، |
| ۳ - دعای عشق - ، - الهی قمشای | ۸۴ ، |
| ۴ - مهتاب و شاعر ، عبدالحسین زرین کوب | ۱۳۲ ، |
| ۵ - حال ملک خرابست ، ملک الشعرای بهار | ۱۶۶ ، |
| ۶ - تضمین غزل حافظ ، حسن بهمنیار | ۲۸۸ ، |
| ۸ - ناله ، علی برادران | ۲۸۸ ، - |



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دانشنامه

یا

نشریه شماره ۱

مؤسسه تجارتنی و مطبوعاتی پایدار

شماره ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۶ هجری

پرتال جامع علوم انسانی

چاپخانه موسوی - طهران

آثار استیلاکف



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تسایش سپاس خداوندی را که آفریننده
او میان پدید آورنده زمین و آسمان است و
بر تال جامع علوم اسلامی
درود نامحدود بر پیشرو آل و سلام آید
عظیم همین مابعد چنین گویند که روزی نوشیدند
عادل بوزر جهر حکیم را طلب کرد و گفت

ای حکیم فطن سرزانه مرا سخنانی بدیع پیاپی

که در هر دو جهان مرا کاراید و چون آنرا

بکار آورم بر بهیمه چسب زلف و شیرفت یا نیم و بعد

از ما در جهان اثر و یاد کار رساند ابو زر

کیسالت خواست و این نصیحت را جمع

فراهم آورد و بخدمت نوشیروان بدو عرض

رسانید او و بغایت خوش وقت بگفته

فخاص مشهور و سرا ز کرد ایند و فرمود که
آن نظر نامه را کتاب بزرگ نوشتند پیوسته با
خویش داشت بفرصت ایام این نضاح منیر را
از آن حکیم خردمند سپید بطریق استفاوه
و او جوابهای با صواب میداد بدین گونه گفتیم
از خدای عالیمان آیا چه حواسم که بهمیه میاید
خواسته باشم گفت نندرتی و اینی و توگری

کفتم ای حکیم زیرک چه سیر در همه وقت
 سرا و از تراست گفت علم آموختن در جوانی
 و کردار نیک و در پیری و بجا ز خود مسئول بود
 همه وقت کفتم ای حکیم زیرک که نام خیر بر زبان
 نیلی غریب است بد نماید گفت بهتر خود را
 گفتن کفتم ای حکیم زیرک چون از دوستی جانی
رتال علمت علوم انسانی
 ناشایت کی بعین آید از وی بچه خیر توان برید

گفت بدینش کم ز فتن و از حالش با رسیدن
و از وی حاجت نخواهستن گفتیم ای حکیم بر
کار با کوشش بودی یا تقصا گفت کوش
تقصا را سبب است گفتیم ای حکیم زیرک از
جانان چه بهتر است از پیران چه نیکوتر گفت
از جوانان شهر روانی و از پیران دانش و
آبستگی گفتیم ای حکیم زیرک جدانی از که

سیاید کردن بازنده باشم گفت از مردم
خسین اصل چایلو پس که تو انگر شده باشند
نختم ای حکیم زیرک جو انگر و ترین مردم
گفت آگینس که بنجشد و شاد شو و هشتم ای حکیم
زیرک از فرمانهای که هست کدام را بنیاید
نوار و نویل داشت گفت فرمان خدای تعالی
فرمان پدرو ما در فرمان عاقبتان فرمان

پادشاهان گفتند ای حکیم زیرک که نخست
که در بجای بکار زد و بجای بد رو نگفت
یعنی که در بجای مروم هم در این جهان
از ایشان پادشاه هم در آن جهان احق
جل و علاه گفتند ای حکیم زیرک بهترین زندگانی
چسیت گفت فراغت و آسایش بسیار گفتند
ای حکیم زیرک چکنم که در غربت غربت و

نباشم گفت از همت و بدنامی و در سو و

وقت و بجا بی آروم آزار باش گفتم

ای حکیم زیرک نشان و پست صیسی حانی

صیت گفت خطای تو را پوشانیدن تا

بمیرد اشکار کند و کاری که گذشته نگویید

گفتم ای حکیم زیرک زندگانی سلامت که

گذرانند گشت پیوند بکس کی با شاه و

علمای کی دوست صادق الولاية نعمت ای

حکیم زیرک چکنم که بطیبیم حاجت و احتیاج نمود

گفت کم خوردن و کم خفتن نعمت ای حکیم زیرک

خواری از چه حشیر و گفت طبع بخیر مردمان

گفت

گفتم ای حکیم زیرک اگر علم ساموزم چه پیام

اگر بزرگ باشی نامور گردی و اگر گستاخ باشی

معروف گردی گفتم ای حکیم زیرک چکنم که

مردمان مراد و پست و عزیز دارند گفت

دروغ مگو و بزبان کسی را مر نجان نکشم ای حکیم

زیرک نیکی کردن بیا از بدی و دور بودن

گفت از بدی دور بودن سزای نیکبخت

کشم ای حکیم زیرک باشد کرده نیکی بنیای

کرد گفت با کاذب و فاسق و ناپسند

تم آنگاه بعون الملک الوهاب

از بجهت تقدیم خدمت سرکار جلالت استعانت

مدار موتمن سلطان آقایی میرزا احمد خان لشیر

با قایم بزرگ اطال الله بقا و شرف زنده باشند

جناب جلالت تمام اجل اکرم قایم و ملک

دام اقباله العالی بجزیره سوید این نسخه پرده است

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
احقر عبد الله علی شیری

نصف دوم بیستم
۱۳۲۶